

چه تلخ و ناگوار است ،

مرگِ اسطوره ای ،

که خدایانِ نابکار،

در سلاخی اش،

سرودِ وجدِ زمزمه می کنند .

میثرا اشوان

.....

در اسطوره های ایران کهن ؛ مراعات پیمان و دوستی و اخوت، به عهده میترا یا میثرا یا میثره بوده؛ که برابر با سخن راست آمده است. و ورونه یا ورونا را باید یکی از اساسی ترین وجود نظام دهنده هستی قلمداد کرد، که جامعه را به هم پیوند می زند. ازقرنها پیش، در اسطوره های کهن ایرانی؛ تجلی والای خرد انسانی، بخوبی هویدا است. و سَمبل های مستخرجه از نمادهای موجود در این اسطوره ها، همگی گویای این درستی است، که شعور انسانی، حداقل از ده هزار سال پیش، بر مبنای عشق و ورزی به طبیعت شکل گرفته است. یکی از این اسطوره ها، که نماد خیر و برکت به حساب می آمده، حیوانی به نام سگ بوده است، که در مقابل شر، که نماد آن عقرب و مار بوده، قرار داشته است. این ستایش و حرمت، در تمامی اسطوره های آئین میتراگرایی و مهر پرستی و آئین زرتشت متجلی است. که مدام میان سگ، به عنوان نیروی خیر از یک سو، و ازسوی دیگر مار و عقرب به عنوان نیروی شر در جریان بوده. در هیچ یک از ادیان جهان، تحت هیچ شرایطی، سگ را موجودی نجس نخوانده اند. حتی در کتب مقدس ادیان ابراهیمی نیز به نجس بودن سگ اشاره ای نشده است. و در هیچ یک از کتب اربعه اهل سنت نیز، تا قبل از حاکمیت صفویه، به این امر اشاره ای نیست. مگر در کتب جماعت اهل تشیع، که جعل این احادیث در این خصوص نیز به دوران حدیث سازی ملایان عهد صفویه باز می گردد.

در زمان صفویه، سفیران اعزامی به فرانسه، از طرف دربار صفویه، نه تنها از مراسم دینی فرانسویان؛ که مشمول بر پایایی عَلم و نخل و قمه زنی و غیره می شده است را وارد ایران کردند، بلکه به دلیل فقدان دیگر مدارک فقهی لازم برای برپایی مراسم و اعیاد مذهبی مرتبط با خواست اهل تشیع، از جبل عامل لبنان نیز؛ ملایانی که اصلاً زبان پارسی نمی دانستند را به دربار خود دعوت نمودند. که نسل ملا محمد باقر مجلسی که نام پدرش ملا محمد تقی بود، یکی از آن جماعت است. این جماعت و تربیت یافته گان مکتب این جماعت، در طول زمان، حدود شش میلیون حدیث، از زبان ده ها نفر از صحابه پیامبر؛ و خود پیامبر و اعمه تشیع، در کتب بی شماری که ترتیب دادند جعل و جمع آوری نمودند، که هر مجلد آن، برای ویران کردن فرهنگ یک کشور کفایت می کند. فقط کتابهای قطور ملا محمد باقر مجلسی، از مرز یکصد جلد در امور فقه و حدیث تجاوز کرده است. به گفته دکتر شجاع الدین شفا، بیش از ۳۰۰ هزار حدیث، فقط از زبان حضرت امام جعفر صادق نقل شده است که در ۵۶ سالگی فوت نمودند. اگر ما ۳۰۰ هزار حدیث را تقسیم به عمر ۵۶ سالگی ایشان از دوران شیر خوارگی بنمائیم که مشغول حدیث گفتن شده باشند. کارخانه تولید سوسیس نیز به گردش نمی رسد. توجه شود که ایشان در روز چند حدیث نقل می کردند.

همه بدبختی فرهنگی این مملکت در مانده، به دوران مخوف خاندان صفویه بازمی گردد. در دوران حمله اعراب به ایران، هر چند سگها، برای متجاوزین اعراب در قصبات و شهرها، مزاحمت هایی در تصرف منازل مردم ایجاد می کردند. نمونه دیگری به غیر این عنوان، در تاریخ نمی توان یافت. هیچ سندی در تاریخ اسلامی مبتنی بر نجس بودن سگ، از آن دوران، تا زمان صفویه در کتب هیچ تاریخ نگاری نخواهید یافت. مگر جماعت اهل تشیع. که از فلان ابن فلان ابن فلان نقل کرده اند. که گفته اند، سگ نجس است. سگ همواره در فرهنگ گذشته ایران باستان، از ارزش والایی برخوردار بوده است. هنوز نیز میان عده ای از انسانهای این آب و خاک، که به شعوری انسانی تجهیز شده اند، سگ، مورد احترام است. و در امور نگهداری، نظامی و پلیسی، با هوش سرشاری که در این حیوان نهادینه شده است، بهره برداری به عمل می آید.

در ناحیه گول فرح، واقع در ناحیه ایذه (ا + زیه = یازست گاه آب) بختیاری، که ناحیه ای بس تاریخی متعلق به دوران عیلامیان است، در حجاری های موجود در صخره های این ناحیه تاریخی، شمایل سگ را در کنار شاه؛ همسر و فرزند او در نقوش سنگی حجاری کرده اند. این حجاری ها حکایت از حرمت نهادن به سگ، در تاریخ دیرین این مرز و بوم است. (لازم به ذکر است: گول فرح؛ یک واژه تحریف شده است. که اصل آن = گُل قرّ - به معنای تالاب مقدس است. تلفظ واژه گُل، نباید با آن گیاه خوش بویی که در زبان پارسی در باغچه می روید؛ و به آن گل رزگونند؛ اشتباه شود.

این واژه بصورت **گول** هم نباید تلفظ شود. بلکه، با آوایی مانند **گُ** بیان می شود. در زبان آذری، هنوز، به تالاب یا مرداب، به استناد واژه گان اوستایی **گُل** می گویند.)

شروع تاریخی واقعه نجس شدن سگ، اصلاً از دوران صفویه شروع شده است. که شرح واقعه آن به شرح ذیل است: بی تردید سلطان جنید پسر شیخ ابراهیم، مهمترین سر دودمان خاندان صفویه است. که آثار زیان باری برای دنیای اسلام از خود به یادگار گذاشت. او اولین کسی بود در تاریخ اسلام، که عداوت و کین ورزی را میان شیعیان و سنیان در تاریخ پایه گذاری کرد. و آشکارا، فتوای کشتار غیر شیعه ها را به پیروان خود صادر نمود. فتوای او، بنای اولین اختلاف میان سنیان و جماعت اهل تشیع پایه گذاری کرد. این مرد نابکار و بدکاره، گاهی به پیروان خود دستور می داد تا در منزل مخالفنش، بدن سگی را به نفت آغشته کنند، و این حیوان درمانده را با بستن پوز، که صدایی از او خارج نشود، در ایام شب که همه اهل آن منزل در خواب بودند، با به آتش کشیدن این حیوان درمانده و رها نمودن این حیوان در حال سوختن در منزل مخالفانش رها می کرد. این حیوان بیچاره از شدت درد و سوز؛ در منزل فرد به این و سود و آن سود می دوید و خود را به در و دیوار می زد، و خانه را به آتش می کشید. شیخ جنید، غارت مال و اموال سنیان را، و تجاوز به زنان و دختران و پسران اهل سنت را میان قزلباشان ترک نژاد آناتولی و غیر ایرانی متداول کرد. بعد از او شیخ حیدر برجای شیخ جنید که پدرش بود نشست. به همین ترتیب نسل به نسل طول کشید. تا سال ۱۱۳۵، که این دودمان به دست افغانها متلاشی شدند. شیخ حیدر، فرقه جدیدی از شیعیان را به نام حیدریه پایه گذاری کرد، که در قضاوت قلب بی نظیر بودند.

فرقه ای به نام حیدریه که در باب الدشت یا در دشت اصفهان زندگی می کردند و مورد حمایت دولت صفویه نیز بودند. مدام با درویش شاه نعمت الله ولی که به آنان نعمتی می گفتند و ساکن محله جویباره یا جهود بارو یا (دژ یهودیان) بودند در نزاع های خونین بسر می بردند. نزاع های این دو گروه گاهاً به جایی می کشید که نیروهای دولتی وقت؛ در کار آنان دخالت های سختی می کردند. اوباشان حیدریه، قتل یک سنی را، برابر با پنج کافر حربی در اسلام می دانستند. شیخ حیدر، بجا آوردن نماز و روزه و حج و زکات را از پیروان خود برداشته بود. و به آنان آزادی کامل در عمل با غیر شیعه ها اعطاء نموده؛ و پیروانش را در ارتکاب هر عمل قبیحی آزاد گذاشته بود. در نهایت امر، شیخ حیدر، در رجب سال ۸۹۳ بر اثر اصابت تیری در گلویش در جنگ بیرسران با سپاه فرخ یسار و یعقوب بیگ، به درک واصل شد. بعد از شکست صوفیان در این جنگ؛ علی آقا قاپوچی یعقوب بیگ (قاپوچی در زبان ترکی یعنی دربان) سر شیخ حیدر را از بدن جدا می کند. به دستور یعقوب بیگ؛ سر بریده شیخ حیدر را پس از گرداندن در کوچه های و خیابانهای شهر تبریز، بنا به گفته کاترینو زینو \_ سفر نامه نویسنده ونیزی، که حاضر بر ماجرای آن دوران بوده، سر شیخ

حیدر را در میدان گناه کاران تبریز، که میدان مخصوص تنبیه گناه کاران بوده، پیش سگها افکنند تا طعمه سگان شود. این مراسم گله خوری سگان، نسل آینده این حیوانات در مانده را؛ در طول تاریخ ۴۰۰ ساله گذشته ایران؛ طعمه چوب و چماق و تفنگ و سم شیعیان کرد. که چرا چند سگ حدود ۴۰۰ سال قبل، سر شیخ حیدر؛ پدر شاه اسماعیل را خورده اند. نفرت از سگان در نزد صوفیان و قزلباشان، به حدی بالا بود، که به نوعی، به مراسم سگ کشی مداوم از دوران صفویه تا حکومت جمهوری اسلامی در ایران تبدیل شده است. و با دلائل، و فتاوی شرعی ملایان، و گاه با جعل امور طبی توسط همین ملایان، نجس بودن این حیوان در مانده را در طول زمان، در اذهان عموم جامعه، به باور نشانده اند. تا این موجود زبان بسته را، به انحاء مختلف دسته جمعی کشتار کنند. تا تاوان سر بریده شیخ حیدر را، در تاریخ، این موجود نجیب و با وفا پردازد. اصل کشتار این حیوان با وفا، با به حکومت رسیدن شاه اسماعیل صفوی در ایران، از شهر تبریز آغاز شده. به فرمان او این رسم شیعی و غیر انسانی، در میان تمامی مردم ایران ترویج و مرسوم شد. و هنوز که هنوز است شهرداری های مختلف شهرهای ایران، امروز نیز، با تفنگ و سمومی چون سیانور، به کشتن این حیوانات زبان بسته ترغیب می شوند. تا رسوم سگ کشی خاندان آدمخور صفوی از یاد نرود. (نمونه بارز این کشتارها به همین چند وقت پیش شهرداری تبریز باز می گردد که شدیداً مورد اعتراض عموم جامعه جهانی قرار گرفت. که این حیوانات را با ریختن در گودالهای از پیش آماده شده، با خاک سپردند. و گاه نیز، با تل انبار کردن اجساد این حیوانات در مانده بر روی هم، در بیابانهای اطراف شهرها، آنان را به آتش می کشند.)

علاقه مندان به کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص می توانند، به بعضی از موارد مکتوب شده در این مقاله، به منبع کتب شاه اسماعیل صفوی، اثر ارزشمند دکتر منوچهر پارسا دوست صفحات ۱۵۴ و ۲۸۰ به بعد. و همینطور، در باب اسطوره تقدس بودن سگ، در فرهنگ ایران، به کتاب های محقق ارزشمند، سرکار خانم ژاله آموزگار و کتاب با ارزش شناخت اساطیر ایران، اثر جان هینلز، با ترجمه خانم ژاله آموزگار مراجعه نمایند.

لازم به توضیح است: علم یا نخلی که در دسته های روضه خوانی؛ در ایام ماه محرم در ایران و دیگر کشور های شیعه نشین حمل می شود، عیناً از فرانسویان اقتباس شده است. دوازده علم موجود در نخل، نشان، یا علامت دوازده تن از حواریون مسیح است، که جماعت اهل تشیع آن را با دوازده امام خود، تطبیق داده و در مراسم خود بکار گرفتند. مراسم به صلیب کشیدن عیسی؛ و حمل علم با دوازده شاخه آن، هنوز هم در بخشی از فرانسه، متداول است.